یکی از بدترین دوره های انتشارات

سلیمی، علی الله

حمزه زاده، محمد

آقای حمزه‏زاده از حال و هوای روزهای تحویل سمت تازه‏تان‏ (مسئولیت انتشارات سوره مهر حوزه هنری)برایمان بگویید.

بنام خدا،انتشارات حوزه هنری در طول فعالیت خود،دوره‏های مختلفی را طی کرده؛شاید یکی از بدترین دوره‏ها،همین دوره‏ای باشد که ما تحویل‏ گرفته‏ایم.به این معنی که آن تمرکز،برنامه‏ریزی،آماده‏سازی و چاپ کتاب‏ در حوزه هنری از بین رفته و دفاتر بدون یک برنامه مدوّن از ناحیه ریاست و یا مسئولین که تضمین شده باشد،تولید کتاب می‏کردند.به خاطر توجه نکردن‏ به ظرفیتهای مالی و نیروی انسانی و اجرایی که در انتشارات وجود داشته،ما به جایی رسیدیم که دیدیم دفاتر تعداد زیادی کتاب تولید شده دارند که در نوبت چاپ و انتشار مانده است.از طرفی هیچ بخشی از حوزه هنری رسما مسئولیت انتشار این کتب را به عهده نداشتند.به این معنی که چند دفتر تولیدی خودشان اقدام به تأسیس یک سازمان برای تولید کتاب کرده بودند، یا با بودجه‏های محدودی که از حوزه می‏گرفتند،آماده چاپ می‏کردند.این‏ دفاتر در حالی کتاب تولید می‏کردند که امکانات آماده‏سازی،توزیع و فروش‏ نداشتند.

این دفاتر که نام می‏برید کدامیک از دفاتر چهاره‏گانه حوزه‏ هنری هستند؟

بیشتر تمرکز تولید کتاب در چهار دفتر صورت می‏گرفت: 1-دفتر هنر و ادبیات انقلاب اسلامی

2-دفتر هنر و ادبیات مقاومت(دفاع مقدس)

3-پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی

4-واحد ادبیات(مرکز آفرینشهای ادبی حوزه هنری)

اینها در طول چهار سال فعالیت در غیاب مرکزی به نام انتشارات حوزه هنری، دهها عنوان کتاب چاپ کرده‏اند؛تحت عنوان سازمان تولید.بخشی از این‏ تولیدات را با ارتباطات شخصی می‏فروختند،بخشی هم در انبار می‏ماند.

این اقدامات تولید کتاب با آن شرایطی که شما اشاره کردید، به نظر شما لازم بوده صورت بگیرد؟

از نظر کار انتشاراتی بهترین کاری بوده که انجام می‏شده،چون دفاتری مثل‏ مرکز تجسّمی،مرکز موسیقی،واحد عکس،واحد سینمایی و واحدهای دیگر هیچ کدام محملی برای انتشار کتابهایشان نداشتند.به همین دلیل در حوزه‏ تجسّمی سالهاست کتابی منتشر نشده و در بخش موسیقی هم تعداد محدودی‏ کتاب با این شرط که خود دفتر تولیدکننده ،خریدار کتابهای چاپی‏اش باشد تعداد محدودی کتاب چاپ کرده است!از طرفی شرکتی به نام انتشارات سوره‏ مهر که در اصل بخش بازرگانی انتشارات پیشین حوزه هنری بوده است، وظیفه توزیع و فروش بخشی از کتابهای تولیدی سازمان تولید کتاب را به‏ عهده داشته است،که در مجموع ماحصل این تقسیم‏بندی کاری،ناهماهنگیهایی‏ است که در تولید کتاب از یک طرف و چاپ و توزیع آن از طرف دیگر به چشم‏ می‏خورد.

در این میان اقدامات شما بعد از به عهده گرفتن مسئولیت‏ انتشارات چه بوده؟یعنی وقتی شما وارد کار شدید برای کلیّت آن، برنامه جداگانه‏ای داشتید یا تغییر و تحول در بعضی از قسمتها را پیشنهاد دادید؟

از حدود 3 ماه پیش که من آمدم و مسئولیت انتشارات را به عهده گرفتم،به‏ ریاست حوزه هنری پیشنهاد کردم،معضل قدیمی انتشارات حوزه هنری را با سازماندهی کلیه امور،برنامه‏ریزی،تولید و چاپ و توزیع حل کنند.

از زمانی که شما مشغول به کار شدید،بیشترین وقت شما صرف‏ چه اقداماتی شد؟

از زمانی که مشغول به کار شدیم هم بیشتر وقت ما صرف هماهنگی بین‏ دفاتر تولیدی،از یک طرف،و چاپ و توزیع از طرف دیگر شده است.این تازه‏ یک روی قضیّه است.روی دیگر قضیّه،کتابهایی است که به دلیل پیش‏ گفته سالها(حدود هشت سال)در نوبت انتشار مانده.ما به مسئولین دفاتر، خصوصا مرکز آفرینشهای ادبی که بیشترین تعداد کتابها را در نوبت چاپ‏ داشت پیشنهاد کردیم،در یک بازبینی و الویت‏بندی تعدادی از کتابهایی را که‏ تاریخ مصرف‏شان تمام شده یا در جهت سیاستهای جدید حوزه نیست،از گردونه انتشار خارج کنند.این موضوع البته در نظر خود مسئول محترم مرکز آفرینشهای ادبی هم بوده و شوراهایی را برای این کار در نظر گرفته بودند. با این دید و تمهیدی که اندیشیده شد،از تعدادی از کتابهای در نوبت انتشار به مقدار زیادی کاسته شد.

این اقدام شما که حذف تعدادی از کتابهای در نوبت چاپ بوده‏ از ناحیه مقابل که همانا مؤلفین باشند،با عکس العملی هم مواجه‏ شد؟

بله،البته این موضوع انعکاسهای منفی هم داشته و گاهی از دور و نزدیک‏ پیغامهای گلایه‏آمیز و تهدیدآمیزی را دریافت می‏کنیم امّا برای اجرای‏ برنامه‏های انتشارات سوره مهر راه دیگری وجود نداشت.

وضعیت کتابهایی که در دوره‏های قبلی چاپ شده و در حال‏ حاضر در حوزه موجود است در این میان چه می‏شود؟

بله،مشکل بعدی که انتشارات با آن مواجه است،انبار سرشار کتابهای قدیمی‏ حوزه است که رقم ریالی پشت جلد آنها حدود چهارصد میلیون تومان است.

تصور من قبل از اینکه وارد کار انتشارات بشوم این بود که حوزه هنری‏ شبکه‏ای هر چند غیر گسترده‏ای در زمینه توزیع کتاب دارد،اما در واقع این‏ طور نبود و آنچه از کتابهای حوزه به فروش می‏رفت،نهایتا حاصل فعالیتهای‏ فردی یک یا دو نفر از دست اندرکاران انتشارات بود که نمی‏شد عنوان شبکه‏ توزیع به آن داد.در صورتی که همه می‏دانیم حوزه هنری در بیشتر استانهای‏ کشور نمایندگی و حتی فروشگاه کتاب دارد.

سؤالی که در این میان به ذهن خطور می‏کند این است که‏ فروش کتابهای منتشره در حوزه هنری نسبت به سایر انتشاراتیهای‏ همطراز با این انتشارات آهنگ کندتری دارد.شما دلایل این امر را در کجا می‏بینید؟

علت عمده،نبودن شبکه توزیع و فروش هوشمند و فعال است.علاوه بر این‏ به طور کلی می‏توانیم به دلایل دیگر هم اشاره کنیم.یکی اینکه روند تولید کتاب خصوصا در زمینه ادبیات بدون توجه کامل به نیازها و خواسته‏های‏ مخاطبان شکل گرفته،علت دیگر عدم توجه به استانداردهای کتابسازی و رعایت اصول طراحی و تولید صنفی کتاب است که در عدم توفیق فروش‏ آنها تأثیر زیادی دارد.

وضعیت اقتصادی انتشارات سوره مهر در گذشته و حال به چه‏ منوالی بوده و هست؟

یکی از تمهیداتی که مسئولیت قبلی حوزه برای رونق کار انتشاراتی اندیشیده‏ بودند،تبدیل آن به شرکت بوده است.البته این کار بند و بستهای زیادی را از دست و پای انتشارات باز می‏کند.اما بدون سرمایه کافی و تأمین نیروی‏ انسانی مناسب تغییر نوع اداره انتشارات مشگل‏گشا نبوده و نیست.در حال‏ حاضر انتشارات از محل فروش کتابهای قبلی و اخذ وام از حوزه هنری و بعضی درآمدهای دیگر که از محل ارائه خدمات نشر به مراکز دیگر تأمین‏ می‏شود،امور خود را اداره می‏کند.در حال حاضر انتشارات با زیانی سی میلیون‏ تومانی و مقادیری بدهی مواجه است که باید با تلاش فراوان در جهت رفع‏ این مشکلات اقدام کنیم.ریاست محترم حوزه هنری مهندس بنیانیان با عنایتی که به اهمیت کار انتشارات در حوزه هنری دارند اکنون پشتیبان شرکت‏ انتشارات سوره مهر هستند و ان‏شاءالله از این پس نیز خواهد بود.

گویا آرم جدیدی برای شرکت انتشارات سوره مهر تعیین شده. در این مورد اگر توضیحاتی هست بفرمائید.

کتابهای انتشارات با آرم حوزه هنری منتشر می‏شد که این موضوع از جهات‏ قانونی مشکلاتی ایجاد می‏کرد.به همین دلیل با بررسی اسناد گذشتهء انتشارات، آرمی را که قبلا در مجتمع چاپ و نشر حوزه ثبت شده بود برای شرکت‏ انتخاب کردیم و از این به بعد کتابهای سوره مهر با این آرم منتشر خواهد شد.

اخیرا کتابهایی از ناشرین دیگر در بین کتابهای حوزه هنری در فروشگاههای کتاب حوزه به چشم‏ می‏خورد و گویی اولویت فروش با کتابهای ناشرین دیگر است،شما در این مورد چه پاسخی دارید؟

این از مزایای«شرکت»شدن انتشارات حوزه‏ است.چرا که شرکت باید هزینه و درآمدهایش را منطقی پیش ببرد و در راه‏ کسب درآمد ناگزیر از ارائه کتابهای ناشران‏ دیگر در کتابفروشیهاست.این موضوع البته‏ در دوره جدید انتشارات مورد تجدیدنظر قرار گرفته است.ما اعتقاد داریم فروشگاههای حوزه قبل از اینکه مکانی برای‏ کسب درآمد باشند،ویترین فعالیتهای فرهنگی حوزه هنری هستند و باید به‏ طور کامل به این مهم بپردازند.البته این تغییر روال قدری به زمان نیاز دارد.زیرا انتشارات بابت کتبی که به ناشران دیگر داده است،باید تا مدتها طلبهایش‏ را به صورت کتاب دریافت کند و این توافقی است که قبلا صورت گرفته و ما ناگزیر از اجرای آن هستیم.اما ویترین کتابفروشیها تماما به کتب تولیدی‏ حوزه هنری اختصاص خواهد یافت و با توقف سیستم مبادله کتاب،دیگر موضوع کتب ناشران دیگر در کتاب فروشیها منتفی خواهد شد.

خیلیها معتقدند اهداف محتوایی این کتابها را آرمانهای حوزه‏ هنری همسان و همخوان نیست،نظر شما در این مورد چیست؟

اتفاقا با اهداف حوزه هنری در دوره ریاست قبلی کاملا سازگاری داشته است‏ و این ناسازگاری امروز است که خودش را نشان می‏دهد.با این حال کتابهایی‏ که مشخصا نافی سیاستهای کلی نظام و حوزه هنری هستند را از چرخه‏ فروش حذف کردیم.

از زاویه امور فنّی کتابهای منتشره در حوزه هنری،بیشترین‏ ایرادها به طرحهای روی جلد آنها معطوف است.برای این امر شما چه تدابیری اندیشیده‏اید؟

این مشکل ریشه در عدم تمرکز فعالیتهای انتشاراتی حوزه هنری دارد.می‏دانیم‏ که به دلیل عدم وجود مرکزی که متولی امور فنّی و هنری باشد مسئولین‏ محترم دفاتر راسا بر پایه ارتباطات شخصی و در محدودهء سلیقه‏های شخصی، اقدام به سفارش طرح روی جلد و تصویب آن می‏کردند.در این میان البته‏ کتابهایی که طرح جلد مناسب و گرافیک قابل قبولی داشته باشند کم نیستند ؛با این حال روال علمی و فنی مشخصی نیز وجود نداشته است.در حال‏ حاضر انتشارات با تأسیس بخش مدیریّت هنری و فنّی ظرفیتهای لازم را قصد داریم با شبکه‏های رسمی توزیع‏ همکاری داشته باشیم و کتابهای خود را از این‏ طریق هم به دست مخاطبان برسانیم؛اما ما فقط یک طرف قضیه هستیم و از آن طرف هم‏ باید رغبتی برای تهیه و ارایه کتاب نشان داده‏ شود.

برای تولید بهتر در زمینه گرافیک کتب ایجاد کرده است.

در این میان تکلیف طرحهای روی جلد برای کتابهای آمادهء چاپ‏ در انتشارات چه می‏شود؟

ما نه تنها در طراحی جلد و گرافیک کتب چاپ نشده،بلکه در طراحی کتابهایی‏ که آماده چاپ هستند هم تجدیدنظر کردیم و تعدادی از طرحهای آماده را کنار گذاشتیم که گله و شکایت بعضی از دوستان گرافیست را به همراه داشته.

موضوع گله‏های گرافیستها و جواب شما به آنها چه بوده؟

ببینید این موضوع دلایل و زمینه‏های خودش را دارد که اینجا جای صحبت‏ درباره آنها نیست.اما انتقادی که به طرحهای روی جلد کتب انتشار یافته‏ حوزه هنری وارد بوده یکنواختی و سری‏کاری و عدم رعایت تناسب مضمون‏ کتب و طرح جلد آنها بوده است.

شاید این مورد به همین دلیل بوده است که گاهی ده یا بیست‏ عنوان کتاب با طرحهای مشابه،تولید و چاپ شده است؟

ما دقیقا قصد داریم از بروز چنین ضعفهایی جلوگیری کنیم.شما از تعریف‏ یک شخصیت مشخص برای کتابهای حوزه هنری صحبت می‏کنید.این‏ موضوع در مورد خیلی از ناشران موفق مصداق دارد،اما در حوزه هنری باید به تنوع مضامین کتب و تنوع مأموریتهای دفاتر تولید توجه کنیم.شاید بشود برای یک مجموعه چند جلدی از رمانها یا مثلا خاطرات یا پژوهشها فرمت‏ خاصی را طراحی کرد،اما اینکه همه کتابهای حوزه هنری از شخصیت یکسانی‏ برخوردار باشند،مدنظر ما نیست.نیم نگاهی به فعالیت ناشران خارجی هم‏ ما را متوجه می‏کند که نباید زیاد در بند ایجاد روال مشخص در گرافیک‏ کتابهایمان باشیم.اتفاقا این موضوع در شورای تولید انتشارات مطرح شد و من همان جا عرض کردم که موفق‏ترین ناشران دنیا در تولید تخصصی‏ترین‏ کتب که حتی از نظر موضوع بسیار شبیه هم هستند.این نوع یکنواختی را رعایت نمی‏کنند و تنوع را در قطع و حتی تصویرسازی و دیگر ویژگیهای‏ شکلی کتاب رعایت می‏کنند.

برای نمونه شما از مورد خاصی‏ می‏توانید نام ببرید؟

بله،اخیرا یک دوره ده جلدی از کتابهای‏ انتشارات«هارپرکولین»از موفق‏ترین ناشران‏ آمریکایی را نگاه می‏کردم.موضوع کتابها فضا بوده و در هر یک به بخشی از این‏ موضوع پرداخته شده بود.اگر ما این کتابها را چاپ می‏کردیم قطعا همه آنها در یک‏ قطع و اندازه و فرمت طراحی می‏شد.اما جالب است که بدانید این کتابها هر کدام با یک اندازه طراحی و چاپ شده‏ بود.یکی از دلایل آنها برای این کار ایجاد تنوع و احساس تازگی در خواننده‏ کتاب است تا با خواندن هر جلد فکر نکند که کتاب قبلی را در دست گرفته‏ است.

در مورد توزیع کتاب با شبکه‏های رسمی توزیع تا چه اندازه‏ همکاری دارید؟

قصد داریم با شبکه‏های رسمی توزیع همکاری داشته باشیم و کتابهای خود را از این طریق هم به دست مخاطبان برسانیم.اما با همهء تلاشی که می‏کنیم‏ ما یک طرف قضیّه هستیم و از آن طرف هم باید رغبتی برای تهیه کتاب و ارائه آن نشان داده شود.

با راه‏اندازی سیستم بازاریابی و توزیع انتشارات،خودمان مستقیما با کتاب‏ فروشیها مرتبط خواهیم شد و اتفاقا در یکی دو قدمی که برداشته‏ایم استقبال‏ خوبی از طرف کتابفروشیها نشان داده شده است.

در زمینهء توسعه کتابفروشیهای حوزه هنری چه تدابیری‏ اندیشیده‏اید؟آیا به همین تعداد موجود بسنده می‏کنید یا در فکر راه‏اندازی فروشگاههای جدید هستید؟

برای یک شرکت انتشاراتی از حیث اقتصادی،تأسیس فروشگاه،بدون صرفه‏ و حتی زیان‏آور است.آنچه ما به آن می‏اندیشیم تأسیس نمایندگی فروش‏ کتابهای حوزه است.چرا که با تأسیس فروشگاه ناگزیریم برای جور بودن‏ جنس و جلب مشتری کتابهایی را ارائه کنیم که لزوما در جهت خواسته‏ها و سیاستهای حوزه هنری نیست،اما همین چند فروشگاه فعلی را باید با تغییرات‏ و تعمیرات به شکل حرفه‏ای و آبرومندی به محلی مطمئن برای تهیه کتابهای‏ حوزه هنری تبدیل کنیم.

در دوره قبل،هرازگاهی آمار تعداد آثار منتشره در حوزه هنری اعلام می‏شد و در بعضی از آمارها نشان از تولید و چاپ روزانهء یک کتاب در این مرکز داده می‏شد.در دوره جدید این روزنه به‏ چه شکلی ادامه خواهد یافت؟

ما چنین شعارهایی را در برنامه‏هایمان نداریم.البته ممکن است با رونق بخش‏ بازرگانی و توزیع به جایی برسیم که به جای تأکید بر روی تعداد عناوین به‏ تیراژ کتابها توجه بکنیم و وضع فعلی را بهبود بخشیم.یک نکته را هم مورد توجه قرار دهیم که با وجود چهارده واحد تولیدی در حوزه چاپ سالیانه‏ دویست تا سیصد عنوان کتاب امری دور از ذهن نیست.

یکی از مسائلی که در امور نشر حوزه هنری مطرح است تعدّد کارشناسان امور مربوطه است،بطوری که ممکن است یک اثر در قسمتی مردود اعلام شود ولی همین اثر از ناحیه دیگری نمره‏ قبولی بگیرد و در نوبت چاپ قرار بگیرد.شما برای این مشکل چه‏ چاره‏ای اندیشیده‏اید؟

شکل فعلی کارشناسی در واحدهای حوزه،همین‏طور است که شما اشاره‏ کردید.یعنی ممکن است داستانی در دفتری تصویب نشود ولی مورد پسند کارشناسان دفاتر دیگر قرار گیرد.سیستم کارشناسی فعلی دفاتر این حسن‏ را دارد که استقلال کافی برای واحدهایی تولیدی ایجاد می‏کند.امّا از طرفی‏ وجود دفاتر مختلف تولیدکننده باعث بروز ضعفها و نارساییهای نیز می‏شود که نباید آنها را از نظر دور داشت.شاید تقسیم دقیق‏تر وظایف دفاتر و برقراری‏ ارتباط بیشتر بین بدنهء کارشناسی آنها اولین راه حلی باشد که به نظر می‏رسد.

البته در انتشارات شورای تولید مرکب از مسئولین دفاتر تولیدی هفته‏ای یک‏ بار تشکیل جلسه می‏دهند و آنجا نیز محل مناسبی برای هماهنگی‏ها و برقراری ارتباطات بیشتر است.

با توجه به تعداد آثاری که در نوبت چاپ قرار دارند،آیا کارهای‏ جدید هم پذیرفته می‏شود؟

دفاتر تولیدی حوزه هنری کاملا پذیرای آثار جدید هستند و از آنها با روی باز استقبال‏ می‏کنند.اما رکودی که سالها بر روند چاپ‏ و انتشار کتابها سایه انداخته بود،هر دو طرف‏ (مسئولین دفاتر از یک طرف و نویسندگان‏ از طرفی دیگر)را به مقداری محافظه‏کاری‏ و احتیاط وادار کرده است که ان‏شاء الله با چاپ کتابهای آمادهء چاپ،این ذهنیّت‏ رفته رفته جای خود را به امید و تحرک‏ بیشتری خواهد داد.

آن تعداد از رمانهای بزرگ جهان که در کارگاه رمان حوزه هنری‏ تلخیص شده و در نوبت چاپ قرار دارند تکلیفشان چه می‏شود؟

یکی از اقدامات خوب کارگاه قصه و رمان که در جهت پاسخگویی به نیاز مخاطبان جوان بوده،همین تلخیص رمانهای مشهور جهان است.در برنامه‏ انتشارات است که با رفع برخی مشکلات حقوقی،این کتابها را در تیراژی‏ وسیع و با قیمتی مناسب به دست مخاطبان برسانیم.همین جا لازم است به‏ نکته‏ای اشاره کنم.شما اگر به مجموعه کتابهای ناشران حرفه‏ای خارجی‏ نگاه کنید می‏بینید که در عین دسترسی به بهترین انواع کاغذ،بخشی از کتابهایشان را با کاغذ ارزان قیمت و کاهی چاپ کرده‏اند.استفاده از این کاغذها موجب شده که وزن کتب به مقدار قابل توجهی کاهش یابد و مطالعه آن را در موقعیتهای مختلف آسان‏تر نماید.ما قصد داریم با استفاده از این کاغذهای‏ سبک و ارزان قیمت ضمن کاستن از هزینه‏های اضافی با افزودن بر تیراژ کتابها،تعداد خوانندگان این کتابها را بیشتر و بیشتر کنیم.

بیشترین تعداد کتابهای منتشر شده و در حوزه هنری،کتابهای‏ تألیفی از نویسندگان ایرانی هستند.آثار ترجمه‏ای از نویسندگان‏ خارجی در برنامه شما چه جایگاهی دارند؟

این موضوع را دفاتر تولیدی تعیین می‏کنند.

در ترجمه عنوان بعضی از کتابها در پشت جلد،دقتهای لازم‏ صورت نمی‏گرفته،آیا شما برای این مورد خاص هم تصمیمات‏ تازه‏ای گرفته‏اید؟

چه سؤال خوبی!یکی از برنامه‏های انتشارات که باید در شورای تولید به‏ تصویب برسد،حذف عناوین خارجی از پشت جلد کتابهای حوزه هنری است.

زیرا دلیل کافی برای این کار وجود ندارد و اگر بنا باشد این کتابها در بازارهای‏ خارجی ارائه شود،برای این کار تمهیدات لازم را می‏اندیشیم.

در مورد کتابهای قبلی حوزه هنری و تجدید چاپ آنها اگر نکات‏ فروشگاههای حوزه قبل از اینکه محلی‏ برای کسب درآمد باشند،ویترین‏ فعالیتهای فرهنگی حوزه هنری هستند و باید به طور کامل به این مهم بپردازند.

تازه‏ای هست بیان کنید.

این ایراد به حوزه هنری وارد است که کتابهای نویسندگان بسیاری را با چاپی‏ محدود،زندانی کرده است.البته در سالهای اخیر،هر نویسنده‏ای که مایل بود کتابش را پس بگیرد،بدون پرداخت وجهی می‏توانست این کار را بکند و این‏ هم حاصل حسن نیّت و خوش فکری بعضی از مسئولان واحدها بود.اینگونه‏ نبود که حوزه کتاب را چاپ نکند و تحویل نویسنده هم ندهد.اما این واقعا درست نیست که ناشری کتاب نویسنده‏ای را بگیرد،چاپ کند و بعد از اتمام‏ تیراژ در فکر تجدید چاپ نباشد.این فکر به هیچ عنوان فرهنگی و حتی‏ اقتصادی هم نیست.از ابعاد دیگر موضوع هم نباید غفلت کرد.حوزه به عنوان‏ عمل به یکی از رسالتهایش،سالها کتاب نویسندگانی را چاپ کرده که بیشترشان‏ برای اولین بار دست به قلم برده بودند و تازه کار بودند.نفس چاپ آثار نوقلمان‏ از حسن نیت حوزه خبر می‏دهد.این کتابها بعضی با استقبال بازار مواجه می‏شد و بعضی هنوز هم در انبار حوزه خاک می‏خورد.

کتابهایی هم بوده که احتمال داشته با تجدید چاپ زندگی دوباره‏ای به آنها داد،اما کسی به این فکر نیفتاده است.به نظر من،مهم‏تر از هر علّتی،نبود یک استراتژی مدون و یک برنامهء مبتنی بر اهداف از پیش فکر شده،کار را به اینجا رسانده و در وهلهء بعد،استفاده از عناصر صرفا اجرایی در امور انتشاراتی‏ هم تا حدودی به ایجاد این معضل کمک کرده است.یک علت را هم قبلا عرض کردم که همان از هم گسیختگی بخشهای مختلف انتشارات بود.

برای تجدید چاپ کتابهای حاضر که تاکنون حوزه هنری چاپ‏ کرده چه اقداماتی در دست دارید؟

در مورد تجدید چاپ کتابهای قبل هم اینگونه برنامه‏ریزی شد که در دفاتر تولیدکننده،شوراهایی تخصصی،کتب را بررسی کنند و آنچه را که زمینه‏اش‏ هست به انتشاراتی معرفی کنند؛البته حدس می‏زنم که تعداد کتبی که تجدید چاپ می‏شود کم نباشد.این حق را هم باید برای یک ناشر در نظر گرفت که‏ در تجدید چاپ کتاب،به بازار فروش آن نیم‏ نگاهی داشته باشد.

این خبر را می‏دهیم که در آینده‏ای نزدیک، کتبی که به نوعی با موفقیت مواجه شده‏اند تجدید چاپ شوند.اما تعداد این کتابها و عناوین‏شان هنوز به طور دقیق مشخص‏ نیست.همه می‏دانند که نفع کتاب در تجدید چاپ آن است و بیشتر از نویسنده،ناشر دوست دارد به منافعش برسد.اما در کمال‏ تأسف باید بگویم از آنجا که برنامه‏ای برای تجدید چاپ در حوزه نبوده(یا ما از آن اطلاع نداریم)حتی فیلم و زینک کتابهای سال 78 و79 هم گاهی‏ در انبار زینک حوزه نیست.و از سالهای قبل هم که قطعا چیزی موجود نیست.

آنچه هم که مانده،زینکهای فاسد است و قابل استفاده نیست.مثلا از کتاب‏ «کوه مرا صدا زد»آقای بایرامی که چاپ سالهای قبل است،حتی یک ورق‏ زینک یا یک سانت فیلم موجود نیست.این کتاب و کتابهای دیگر برای حوزه‏ هزینه چاپ اول را دارند.اگر کسی خواست،بیاید انبار زینک کتابهای حوزه‏ را در محل چاپخانهء پامنار ببیند و بداند چه تلاشی برای از بین بردن زینکها و سرمایه‏های انتشارات صورت گرفته است.

گاهی بعضی از نویسندگان در گفتگوهای خود ادعا کرده‏اند که‏ حوزه از تحویل آثار آنان برای تجدید چاپ در جاهای دیگر خودداری‏ کرده است.این حرفها تا چه اندازه صحت دارد؟

گاهی بعضی از نویسندگان و دوستان نویسنده مراجعه می‏کنند و کتابشان را می‏خواهند که به ناشر دیگری ارائه کنند.مشکلی که وجود دارد این است که‏ این دوستان در زمان چاپ کتاب،امتیاز آن را به حوزه هنری واگذار کرده‏اند.

رقم‏هایی که به آنان پرداخت شده امروز زیاد به چشم نمی‏آید.اما قبول کنیم‏ که در زمان فروش امتیاز،قطعا گرهی از گره‏هایشان را باز کرده است.گاهی‏ این دوستان در گفتگوهای دوستانه یا مکاتبات اشاره می‏کنند که تحت فشار اثرشان را فروخته‏اند و کلاه سرشان رفته است!من با این حرفها چندان موافق‏ نیستم.آیا ما به عنوان نویسنده این برخورد را با ناشرین خصوصی هم می‏کنیم! اما با همه این حرفها عرض کردم که طی سالهای اخیر،هر کس کتابش را خواسته،تحویل گرفته است.و امروز که در فکر تجدید انتشار کتابهای قبل‏ هستیم،از مؤلفان محترم می‏خواهیم در وهلهء اول اجازه دهند بررسی کتابها تمام شود،بعد اگر خواستند کتابشان در حوزه هنری چاپ بشود یا نشود،در خدمتشان خواهیم بود.